

کتاب

# اصحاب استجاره و مسجد سہلہ

## آیت الله حاج سید احمد حائری، و عمل استجاره در مسجد سهله

**اشاره:** در ذکر شاگردان آخوند ملاحسینقلی همدانی و در رأس آنها از جناب آیت الله سید احمد حائری طهرانی (متوفی ۱۳۳۲ ه.ق) یاد شد، مرحوم حائری یا کربلایی؛ بخاطر تولدشان در کربلا به این لقبها موصوف بودند، و چون بعد از وفات میرزای شیرازی به ایران رفته؛ و مدتی در طهران بودند؛ به لقب طهرانی مشهور شدند، و الا ایشان اصالتا اصفهانی بودند.

از خواص ایشان (مرحوم سید احمد حائری) مرحوم آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی (مرجع تقلید) بود، که وی نیز بسیار به **مسجد سهله** می رفت، و بسیار هم در مسجد توقف می نمود، و حتی شب را در مسجد بیتوته می کرد. او در این شیوه، پیرو سلوک اساتیدش (مرحوم آقا سید جواد کربلایی، آیت الله مرحوم شیخ علی محمد نجف آبادی، مرحوم آیت الله سید احمد کربلایی) در آداب زیارت **مسجد سهله** بود.



آیت الله سید جمال الدین موسوی کربلایی

**مسجد سهله سبب آشنایی:** مرحوم آیه الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی قدس سره، نهایتاً شاگرد مرحوم حاج **سید احمد طهرانی حائری (کربلایی)** بوده است؛ و سیر مراتب کمال و درجات روحیه آن آیت إلهی بدست او صورت گرفته است. آیت الله سید محمد حسین لاله زاری از آیه الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی رحمهما الله، نقل کرد که: در ایام جوانی؛

تحصیلات ایشان (سید جمال) در اصفهان بوده است، و در ابتدای امر؛ استاد و مربی اخلاقی ایشان، مرحوم آخوند کاشی، و مرحوم جهانگیرخان قشقایی بوده‌اند. و چون به نجف اشرف مشرف می‌شوند، استادشان مرحوم آقا سید جواد کربلایی بوده است؛ و می‌فرمودند: او مردی سریع و پرمایه و پرمحتوی بود؛ و می‌گفت: اگر از عالم بالا به من اجازه دهند؛ در سر چهار راهها؛ چهارپایه می‌گذارم؛ و بر روی آن می‌ایستم؛ و مردم را به توحید و عرفان (خالص) خداوندی می‌خوانم. و دیری نپائید که به رحمت حق پیوست. و من به مرحوم آیه الله و مربی اخلاقی: آقای شیخ علی محمد نجف آبادی (از شاگردان آخوند ملا حسینقلی همدانی) رجوع کردم؛ و از او دستور می‌گرفتم. مدت‌ها از این موضوع گذشت؛ و من در تحت تعلیم و تربیت او بودم.

و عادت من این بود که: به دستور استاد، هر وقت شبها به **مسجد سهله** می‌رفتم؛ اولاً نماز مغرب و عشاء را به جای می‌آوردم؛ و سپس اعمال وارده در مقامات مسجد را انجام می‌دادم؛ و پس از آن دستمالی که در آن نان و چیزی بود، به عنوان غذا باز می‌کردم؛ و مقداری می‌خوردم. آنگاه قدری استراحت نموده و می‌خوابیدم، و سپس چندین ساعت به اذان صبح مانده بر می‌خاستم، و مشغول نماز و دعا و ذکر و فکر می‌شدم؛ و در موقع اذان صبح نماز صبح را می‌گزاردم؛ و تا اول طلوع آفتاب به بقیه وظائف و اعمال خود ادامه می‌دادم؛ آنگاه به نجف مراجعت می‌نمودم. تا يك شب که بر حسب معمول به **مسجد سهله** آمدم برای عبادت، (مسجد تاریک؛ و غیر از من هم در این احادی نبود). در آن شب نماز مغرب و عشاء و اعمال مسجد را به جای آوردم، و تقریباً دو ساعت از شب می‌گذشت؛ همینکه نشستم؛ و دستمال خود را باز کردم، تا چیزی بخورم؛ هنوز مشغول خوردن نشده بودم؛ که صدای مناجات و ناله‌ای به گوش من رسید، این

صدا از ضلع شمالی، وسط دیوار مسجد، درست در مقابل و روبروی مقام مَطَهَّر حضرت امام زمان عَجَل الله تعالی فَرَجَه شروع شد، و به طوری جَدَّاب، و گیرا، توأم با سوز و گداز و ناله، و اشعار عربی و فارسی، و مناجات‌ها و دعاهای عالیة المضامین بود؛ که بکلی حال مرا و ذهن مرا متوجه خود نمود. من نه توانستم يك لقمه از نان بخورم؛ و دستمال همینطور باز مانده بود، و نه توانستم بخوابم و استراحت کنم؛ و نه توانستم به نماز شب و دعا و ذکر و فکر خود پردازم. و همینطور متوجه و منصرف به سوی او بودم. صاحب صدا ساعتی گریه و مناجات داشت؛ و سپس ساکت می‌شد. قدری می‌گذشت، دوباره مشغول خواندن و درد دل کردن می‌شد؛ باز آرام می‌گرفت. و سپس ساعتی مشغول می‌شد؛ و آرام می‌گرفت. و هر بار که شروع می‌کرد به خواندن؛ چند قدمی جلوتر می‌آمد؛ بطوری که قریب به اذان صبح؛ در مقابل مقام مَطَهَّر امام زمان ارواحنا فداء رسیده بود. در این حال خطاب به حضرت نموده؛ و پس از گریه طولانی، و سوز و ناله شدید و دلخراشی، این اشعار را خواند:

ما بدین در؛ نه پی حشتم و جاه آمده‌ایم = از بد حادثه؛ اینجا به پناه آمده‌ایم  
 رهرو منزل عشقیم؛ و ز سر حدّ عدم = تا به اقلیم وجود؛ این همه راه آمده‌ایم  
 سبزه خطّ تو دیدیم؛ و ز بستان بهشت = به طلبکاری این مهر گیاه آمده‌ایم  
 با چنین گنج؛ که شد خازن او روح امین = به گدایی؛ به در خانه شاه آمده‌ایم  
 لنگر حلم تو ای کشتی توفیق؛ کجاست؟ = که درین بحر کرم، غرق گناه آمده‌ایم  
 آبروی رود ای اُبر خطا شوی؛ ببار = که به دیوان عمل؛ نامه سیاه آمده‌ایم  
 حافظ این خرقة پشمینه بیانداز = که ما از پی قافله؛ با آتش آه آمده‌ایم  
 و دیگر ساکت شد؛ و هیچ نگفت؛ و در تاریکی چندین رکعت نماز گزارد؛ تا سپیده صبح دمید. آنگاه نماز را به جای آورده، و مشغول به خود؛ در تعقیبات و

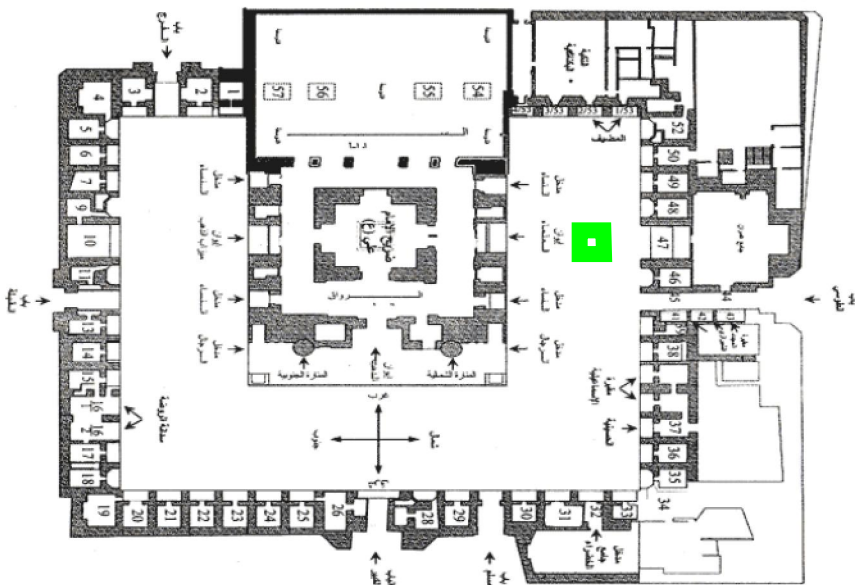
ذکر و فکر بود؛ تا آفتاب دمید. آن وقت برخاست و از مسجد خارج شد. و من تمام آن شب را بیدار بودم؛ و از همه کار و بار خود واماندم؛ و مات و مبهوت وی بودم. چون خواستم از مسجد بیرون شوم؛ از سرخدمه آنجا که اطاقش خارج از مسجد، و در ضلع شرقی بود؛ پرسیدم: این شخص که بود؟ آیا شما او را می‌شناسید؟ گفتند: آری! این مردی است به نام "آقا سید احمد کربلایی"، بعضی از شبهای خلوت که در مسجد کسی نیست می‌آید، و حال و وضعش هم همینطور است که دیدید. من که به نجف آمدم؛ و خدمت استاد آقا شیخ علی محمد رسیدم؛ مطالب را مو به مو برایشان بیان کردم؛ ایشان برخاست و گفت: با من بیا! من در خدمت استاد رفتم. استاد در منزل آقا سید احمد وارد شد؛ و دست مرا در دست او گذارد؛ و گفت: از این به بعد، مرئی اخلاقی و استاد عرفانی تو ایشان است؛ باید از او دستور بگیری، و از او متابعت بنمائی!

👉 درباره این احوالات مرحوم آیت الله سید احمد کربلایی در **مسجد سهله**، مرحوم آیت الله آقا سید علی آقایی قاضی نقل می‌کند: شبی از شبها را به **مسجد سهله** (زاده الله شرقاً) می‌گذارنیدم به تنهایی، به نیمه شب یکی در آمد، و به مقام ابراهیم علیه السلام مقام کرد، و از پی فریضه صبح؛ در سجده شد تا طلوع خورشید. آنگاه برفتم و دیدم "عین الانسان و الانسان العین؛ آقا سید احمد کربلایی بگآء واحد العین" است، و از شدت گریه، خاک سجده گاه گیل کرده است! و صبح برفت، و در حجره نشست، و (از بشارتهای واصله از مولای خود) چنان می‌خندید؛ که صدای او به بیرون می‌رسید.

👉 مرحوم آیت الله بهجت نقل کردند: آقا سید احمد کربلایی در **مسجد سهله** و کوفه زیاد حضور می‌یافتند، شخصی اظهار کرد: آقا سید احمد کربلایی را دیدم در مقام حضرت مهدی علیه السلام، تا صبح؛ به عبادت و گریه و زاری می‌پرداخت.

👉 در آن زمان که برق نبود، و راهها تاریک و بدون روشنایی بود، و مردم غالبا پیاده مشرف می شدند به **مسجد سهله**، فلذا شبهای اواسط ماه قمری که نور مهتاب در آسمان مدتی بود، مردم بیشتر در این ایام مشرف می شدند، و شبهای کاملا مهتاب؛ شلوغترین ایام زیارت **مسجد سهله** بود، و بالعکس شبهای تاریک و محاق؛ اوقاتی بود که عموم مردم به زیارت **مسجد سهله** نمی رفتند، مرحوم آیت الله سید احمد کربلایی در همین شبهای تاریک آخرماه (که کسی نبود در **مسجد سهله**)، بیشتر ملتزم بود که در آنجا معتکف شده و بیتوته نماید.

👉 مرحوم آیت الله سید احمد کربلایی؛ در آخرین تشهد نماز عصر در روز جمعه، (۲۷ شوال ۱۳۳۲ هـ.ق) رحلت کرد. و بر جنازه او پس از تشییع؛ آقا سید جمال الدین گلپایگانی (مرجع تقلید) {در صحن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در قسمت شمالی؛ مقابل ایوانی که در پشت مرقد مطهر؛ در وسط صحن شریف بین مسجد عمران و ایوان العلماء}، نماز گزارده، و در همانجا دفن شد.



# پژوهشگردها و آموزشگردهاى بنياد حيات اعلى

علوم معرفت الهى - علوم زبان وحى - علوم كلام وحى

علوم تلاوت كلام وحى - علوم كلام خازنان وحى - علوم فقه آئين الهى

علوم تقويم نجوم تخيم - علوم طب جامع - علوم پاكزيستى

آموزش برتر (اعلى) - علوم برتر (اعلى) - علوم توانمندى بانسروى الهى

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسى - رسانه هاى حيات اعلى

طرح و برنامه ريزى پژوهشى و مديريت و اشراف علمى

## دارالمعارف الإلهية

نشر ششم: يازدهم جمادى الآخري ١٤٣٧

[www.Aelaa.net](http://www.Aelaa.net)

[aelaa.net@gmail.com](mailto:aelaa.net@gmail.com)

# والحمد لله رب العالمين